

خوانش نوین خطبه فدکیه حضرت فاطمه(س)
بر اساس نظریه فراکارکرد متنی (رویکرد نقش گرای هلیدی)

زهراپاره^۱

چکیده

بر اساس نظریه هلیدی، یکی از ویژگی‌های مهم متن، انسجام آن است. این انسجام به ساختار آغاز و پایان همچنین به نحوه نشان‌داری و بی‌نشانی هر بند وابسته است. با توجه به این نظریه، بررسی ارتباطات دستوری، واژگانی و پیوندی در یک متن، امکان تحلیل جامعی از چگونگی انسجام و پیوستگی بندهای مختلف آن را فراهم می‌آورد. پژوهش حاضر، خطبه فدک حضرت زهرا(س) را با استفاده از رویکرد نقش‌گرای هلیدی به شیوه توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار داده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد؛ اکثر بندهای خطبه دارای آغازگرهای مرکب هستند. این نوع آغاز، زمینه مناسبی برای القای پیام فراهم می‌آورد و بر انسجام کلی متن تأکید می‌کند. همچنین وجود سایر گونه‌های انسجامی پیوندی به‌عنوان عناصر بارز این متن مشخص می‌شود. تحلیل خطبه مذکور بر اساس نظریه هلیدی، اهمیت و ارزش آن را در دو زمینه مذهبی و ادبی به‌خوبی نمایان می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: حضرت زهرا(س)، خطبه فدک، مایکل هلیدی، فراکارکرد متنی، رویکرد نقش‌گرا.

^۱ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب، دانشگاه ایلام، ایلام، z.yareh1179@yahoo.com

توسعه و پیشرفت روزافزون دانش زبان‌شناسی و رویکرد زبان‌شناسان به سوی طبیعت، معنا و ساختار کلام منجر به ایجاد نظریه‌های نو در عرصه مطالعات زبان، تحلیل ساختار و واحدهای آن و در نتیجه پیدا شدن رشته‌های جدید زبان با عنوان «تحلیل گفتمان» در زبان‌شناسی شده است.

زلیگ هریس زبان‌شناس معروف آمریکایی در سال ۱۹۵۱ در مقاله‌ای با عنوان « Discourse Analysis in Languages » نخستین بار اصطلاح تحلیل گفتمان را مطرح کرد. از نظر او بعد از سطح تکواژها، بند و جملات، سطح تحلیل گفتمان قرار دارد. همچنین او قائل است آن چیزی که گفتمان را از مجموعه اتفاقات جملات جدا می‌کند این است که در گفتمان ساخت به هم پیوسته است. به این معنا که از الگویی برخوردار است که واحدهای گفتمانی بر اساس آن با یکدیگر ارتباط دارند (سلیمی و نادری، ۱۳۹۶: ۲).

زبان‌شناسی نقش‌گرا یکی از سه رویکرد اصلی در زبان‌شناسی نظری به شمار می‌رود، که شامل زبان‌شناسی صورت‌گرا، زبان‌شناسی نقش‌گرا و زبان‌شناسی شناختی است. هر یک از این رویکردها به نوعی در تلاش برای ایجاد سازوکاری مناسب و به کارگیری آن در کشف و تبیین ارتباط میان گفتار یا متن و کارکردهای فکری-اجتماعی هستند (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۳). به عبارت دیگر، این رویکردها به تحلیل گفتمانی متن می‌پردازند. «نقش‌گرایان معتقدند که زبان، ابزاری برای تعامل اجتماعی واحد تحلیل متن در بافت است. در این معنا نسبت واحدهای زبانی و روابط صوری آن‌ها با بافت است که معانی خاص را افاده می‌کند» (هلیدی، ۱۹۸۵: ۴۰).

نظریه نقش‌گرای هلیدی^۱، یکی از جامع‌ترین نظریات علمی است که زبان را نظامی برای بیان معنا در نظر می‌گیرد و برای آن نقش و کارکرد اجتماعی در نظر می‌گیرد (مشکوه الدینی، ۱۳۸۸: ۱۲۴). بر اساس نظریه نقش‌گرای هلیدی، جملات متن، روابط معینی دارند که آن را از مجموعه جملاتی که تصادفی کنار هم قرار گرفته‌اند، جدا نموده و آن را به عنوان یک متن، مشخص می‌سازد (قنبری پریخانی و طاهری نیا، ۱۳۹۹: ۲۰۸).

از دیرباز، متون مذهبی همواره مورد توجه زبان‌شناسان بوده‌اند. در میان این متون، خطبه فدکیه حضرت فاطمه زهرا(س) به عنوان یکی از نخستین و اثرگذارترین متون گفتمانی دوره پس از رحلت پیامبر (ص)، از جایگاهی منحصر به فرد برخوردار است. این خطبه نه تنها بازتابی از بحران سیاسی آن دوران، بلکه بیانی‌ای الهی-سیاسی است که با بهره‌گیری از ساز و کارهای زبانی پیچیده، به تقابل با گفتمان مسلط زمانه پرداخته است.

¹ Michael Halliday.

در عظمت کلام حضرت همین بس که ظهور اسلام به عنوان آخرین دین الهی، همراه با خلق گفتمانی نوین بود که در متون مقدسی مانند قرآن کریم و سنت معصومین (ع) تجلی یافت. این گفتمان توانست با بازتعریف مفاهیم بنیادینی مانند عدالت، امامت و مقاومت، ساختارهای اجتماعی و سیاسی عصر خود را دگرگون کند.

با این حال، تحلیل زبان‌شناختی این متن تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است، در حالی که به کارگیری یافته‌های علمی زبان‌شناسی می‌تواند به درک عمیق‌تر و روشمندتر متون دینی بینجامد. نظریه نقش‌گرایی هلیدی (SFL) به عنوان چارچوبی که به بررسی کارکردهای اجتماعی زبان می‌پردازد، می‌تواند ابزاری کارآمد برای کشف لایه‌های پنهان این گفتمان باشد. در این پژوهش، با تمرکز بر عناصر کلیدی فراکارکرد متنی در نظریه نقش‌گرایی هلیدی، یعنی ساخت آغازگری-پایانی، ساخت اطلاعاتی و انسجام، به بررسی چینش بندهای خطبه فدکیه حضرت زهرا(س) پرداخته می‌شود. هدف اصلی، واکاوی نحوه‌ای است که این عناصر زبانی در شکل‌دهی به ساختار منسجم خطبه مشارکت داشته و با خلق اثری ادبی و پرمعنا، درک پیام را برای مخاطب تسهیل نموده‌اند.

به عبارت دیگر، این مطالعه در پی آن است که نشان دهد چگونه آرایش هوشمندانه بندها و جملات در خطبه فدکیه، با بهره‌گیری از ساز و کارهای زبانی نظیر ساختارهای آغازین و پایانی، توالی اطلاعات و ابزارهای انسجام‌بخش، به خلق متنی منسجم و اثرگذار انجامیده است.

۱.۱ ضرورت تحقیق و سؤالات آن

اهمیت و ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که تاکنون مطالعه نظام‌مندی درباره فراکارکرد متنی خطبه فدکیه بر اساس نظریه نقش‌گرایی هلیدی انجام نشده است. بنابراین، تحلیل زبان‌شناختی این خطبه می‌تواند به درک عمیق‌تر مفاهیم و پیام‌های نهفته در آن بینجامد.

این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش‌هاست:

- ۱- بر اساس نظریه نقش‌گرایی هلیدی، کدام عناصر زبانی در خطبه فدکیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند؟
 - ۲- چگونه تحلیل فراکارکرد متنی می‌تواند به فهم بهتر پیام‌های این خطبه کمک کند؟
- به عبارت دیگر، مطالعه حاضر با بررسی علمی ساختار زبانی خطبه فدکیه، گامی در جهت شناخت بهتر این اثر ارزشمند و درک مؤثرتر مفاهیم آن بر می‌دارد.

۲.۱ پیشینه پژوهش

مرور پیشینه تحقیقات نشان می‌دهد که مطالعاتی با رویکرد فراکارکرد متنی و بر اساس نظریه نقش‌گرایی هلیدی درباره خطبه فدکیه انجام نشده است. بیشتر پژوهش‌های موجود در این حوزه، صرفاً به تحلیل محتوایی و بررسی جنبه‌های بلاغی یا تحلیل گفتمان این خطبه پرداخته‌اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد:

- مقاله «تحلیل گفتمان عبارت توحیدی خطبه فدکیه حضرت زهرا (سلام الله علیها) با روش تحلیل گفتمان پدام» (۱۴۰۴)، نوشته محمدعلی حیدری مزرعه آخوند و دیگران که در آن، فراز توحیدی در پنج فضای ساختاری، معنایی، ارتباطی، گفتمانی و فراگفتمانی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

- احترام السادات موسوی زاده و دیگران، در مقاله «کشف روابط بینامتنی و اسالیب بلاغی خطبه فدکیه با تکیه بر دیدگاه مقام معظم رهبری» (۱۴۰۲)، روابط بینامتنی و اسالیب بلاغی کلام حضرت فاطمه (س) در خطبه فدکیه با تکیه بر دیدگاه مقام معظم رهبری مورد بررسی قرار گرفته است.

- مقاله «صور بلاغی خطبه فدکیه» (۱۳۹۷) اثر عظیمه ریحانی اردبیلی و دیگران، قسمت پایانی روایت خطبه فدکیه حضرت فاطمه (س) را مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش به روایت و شبیهاتی که از خواندن ظاهر متن این فراز از خطبه، در ذهن خواننده ایجاد می شود، پرداخته شده است.

- روح الله صیادی نژاد و سید کاظم حسینی باصری در مقاله «تحلیل گزاره های پرسشی خطبه فدکیه بر اساس نظریه سرل» (۱۳۹۷)، به ۳۱ گزاره پرسشی در خطبه فدکیه حضرت فاطمه (س) پرداخته شده است.

آنچه پژوهش حاضر را از مطالعات پیشین متمایز می سازد، تحلیل خطبه فدکیه حضرت فاطمه (س) بر اساس چارچوب نظریه نقش گرای هلیدی است که دریچه های نوین برای نقد علمی دیگر متون خطابی می گشاید. این رویکرد با تلفیق لفظ و معنا، به روشی نظام مند انسجام هنری و چند بعدی این اثر بی نظیر را آشکار می سازد. چنین تحلیلی نه تنها ارزش های بلاغی و زبانی متن را برجسته می نماید، بلکه خوانشی غنی تر و جذاب تر از این میراث ماندگار پیش روی مخاطب قرار می دهد.

به عبارت دیگر، نوآوری این پژوهش در به کارگیری نظریه ای است که با روشی علمی، پیچیدگی های هنری و انسجام ساختاری خطبه فدکیه را نمایان ساخته و بدین ترتیب، درک عمیق تری از زیبایی های این اثر ماندگار فراهم می آورد. این رویکرد تحلیلی، راه را برای بررسی سایر متون دینی و تاریخی با نگاهی نو هموار می کند.

۳.۱ زبان شناسی نقش گرای هلیدی

هلیدی^۱ از پژوهشگران برجسته مکتب زبان شناسی انگلستان، معتقد است که نقش های اجتماعی زبان در شکل گیری دستور زبان تأثیرگذار هستند. از نگاه او، زبان سیستمی از معناهاست و معنا به عنوان پایه ای برای تعاملات اجتماعی عمل می کند. او سه نوع معنای متمایز را در زبان شناسایی می کند که هر کدام متناظر با یک فرانقش زبانی خاص هستند.

این دیدگاه بر این اصل استوار است که ساختارهای زبانی تحت تأثیر کاربردهای اجتماعی زبان شکل می گیرند و معنا در مرکز ارتباطات انسانی قرار دارد. به عقیده هلیدی، درک این سه نوع معنا و فرانقش های

¹ M.A.Halliday.

مرتبط با آن‌ها، نقش مهمی در تحلیل کارکرد زبان در بافت‌های اجتماعی ایفا می‌کند (صالحی، ۱۳۸۶: ۲۵).

زبان‌شناسی نقش‌گرا یکی از سه رویکرد اصلی در زبان‌شناسی نظری محسوب می‌شود که در کنار دیدگاه‌های صوت‌گرا و شناختی، به بررسی رابطه میان زبان و کارکردهای فکری-اجتماعی می‌پردازد (پارمحمادی، ۱۳۸۳: ۱۴۳). این نظریه که نخستین بار توسط زلیگ هریس^۱، زبان‌شناس آمریکایی در سال ۱۹۵۳ مطرح شد، با عنوان «دستور نظام‌مند نقش‌گرا» شناخته می‌شود (باغینی‌پور، ۱۳۸۰: ۱۶). مبنای این رویکرد، توجه به معنا به عنوان عنصر اساسی در تحلیل زبان است. این دستور از آن جهت نظام‌مند خوانده می‌شود که تفسیری معنایی از ساختارهای زبانی ارائه می‌دهد و از آن رو که شبکه‌ای پیچیده از گزینه‌های معنایی و دستوری را شامل می‌شود، نقش‌گرا نام گرفته است. بر اساس این دیدگاه، سخنوران در هر موقعیت زبانی با انتخاب‌هایی مواجه هستند که بر پایه معنا شکل می‌گیرند و در قالب ویژگی‌های صوری زبان نمود پیدا می‌کنند.

این نظریه به دنبال کشف سازوکارهای مناسب برای تحلیل ارتباط میان گفتار یا متن با بافت‌های اجتماعی و فکری است و در واقع رویکردی گفتمانی به تحلیل زبان دارد (مجیدی، ۱۳۹۰: ۱۸۶). ماهیت نظام‌مند این نظریه موجب شده است تا بتواند الگویی جامع برای بررسی انتخاب‌های زبانی سخنوران در موقعیت‌های مختلف ارائه دهد (هلیدی؛ ۱۹۸۵: ۴۱).

در زبان سه نوع معنای متمایز وجود دارد که به سه فرانقش زبانی مختلف مربوط می‌شوند: نقش اندیشگانی^۲، نقش بینافردی^۳، و نقش متنی^۴. در سطح اندیشگانی، زبان بازتابِ درک و دریافت گوینده از واقعیت و جهان بیرونی است. نقش بینافردی با برقراری و حفظ ارتباط میان افراد و گروه‌ها محقق می‌شود. در این نقش، گوینده و مخاطب با یکدیگر تعامل داشته و هرکدام نقشی را بر عهده می‌گیرند؛ مثلاً خبری را بیان می‌کنند، پرسشی را مطرح می‌سازند، دستوری را صادر می‌کنند و... شرکت‌کنندگان در ارتباط می‌توانند دو نقش اصلی را ایفا کنند: یا چیزی را ارائه می‌دهند^۵ یا چیزی را درخواست می‌کنند^۶.

¹ Zellig Harris.

² Ideational.

³ Interpersonal.

⁴ Textual.

⁵ Giving.

⁶ Demanding.

آن»، «سپس»، «بعد از آن» و «در ادامه» جملات، بندها و پارمگفتارهای متن را به یکدیگر پیوند می‌زند (صالحی، ۱۴۰۱: ۱۸۹).

این شیوه از انسجام به ویژه در متون روایی و شرح وقایع تاریخی کاربرد دارد، چرا که به مخاطب کمک می‌کند تا سیر زمانی اتفاقات را به روشنی دنبال کند. در خطبه فدک، این تکنیک به صورت مؤثری برای بیان توالی رویدادهای تاریخی و ترتیب وقایع به کار رفته است. مانند:

حضرت فاطمه (س) در این بیان: «فَقَالَتْ: سُبْحَانَ اللَّهِ، مَا كَانَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ عَنِ كِتَابِ اللَّهِ صَادِقًا، وَ لَا لِأَحْكَامِهِ مُخَالِفًا، بَلْ كَانَ يَتَّبِعُ أَثَرَهُ، وَ يَقْفُو سُورَهُ، أَفْتَجَمْعُونَ إِلَى الْعَذْرِ إِعْتِلَالًا عَلَيْهِ بِالزُّورِ، وَ هَذَا بَعْدَ وَفَاتِهِ شَبِيهٌ بِمَا بُغِيَ لَهُ مِنَ الْعَوَائِلِ فِي حَيَاتِهِ، هَذَا كِتَابُ اللَّهِ حُكْمًا عَدْلًا وَ نَاطِقًا فَصْلًا، يَقُولُ: «يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنِّي الِ يَعْقُوبُ»، وَ يَقُولُ: «وَ وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ»، «بِالْفَاضِي چُون «مَا كَانَ» وَ «كَانَ يَتَّبِعُ» به رفتار مستمر پیامبر (ص) در گذشته اشاره دارند، «هَذَا بَعْدَ وَفَاتِهِ» ترتیب زمانی پس از رحلت آن حضرت (ص) را مشخص می‌کند، و افعالی مانند «يَقُولُ» که بیانگر استمرار حکم الهی است و «وَرِثَ» که به وقایع گذشته اشاره دارد، همگی سیر زمانی حوادث را از قبل از حضور پیامبر (ص) تا بعد از رحلت ایشان به روشنی ترسیم می‌نمایند.

ب-ارجاعی

در این شیوه از پیوند متنی، محتوا به رویداد یا اتفاقی که پیشتر رخ داده ارجاع می‌دهد. این نوع ارتباط با اشاره به وقایع گذشته، زمینه‌ای تاریخی برای متن فراهم می‌آورد (امیری خراسانی و علی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۲۹). مانند:

در عبارت: «فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) دَارَ أَنْبِيَائِهِ وَ مَأْوَى أَنْصَفِيائِهِ، ظَهَرَتْ فِيكُمْ حَسِيكَةُ النَّفَاقِ، وَ سَمَلُ جِلْبَابِ الدِّينِ، وَ نَطَقَ كَاطِمُ الْعَاوِينَ، وَ نَبَغَ حَامِلُ الْأَقْلِيْنَ، وَ هَدَرَ فَنِيْقُ الْمُبْطِلِينَ، فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ، وَ أَطْلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ هَاتِفًا بِكُمْ، فَأَلْفَاكُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ، وَ لِلْغَرَّةِ فِيهِ مَلَا حِظِينَ، ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خِفَافًا، وَ أَحْمَشَكُمْ فَأَلْفَاكُمْ غَضَابًا، فَوَسَمْتُمْ غَيْرَ إِبْلِكُمْ، وَ أَوْرَدْتُمْ غَيْرَ شَرِيكُمْ»، حضرت فاطمه (س) با ارجاع به حوادث گذشته و پیروی کردن مهاجرین و انصار از شیطان و افتادن در دام فتنه‌ها به دلایل غصب خلافت امیرالمؤمنین علی (ع) توسط آنان پرداخته‌اند.

ج-انجامی

این نوع ارتباط -همانگونه که از نام آن برمی‌آید- به فرجام و نتیجه‌گیری رویدادها اشاره دارد. این رابطه با مشخص کردن سرانجام و پایان یک فرآیند، جمله پس از خود را به کلیت آن فرآیند پیوند می‌زند (علیجانی، ۱۳۷۲: ۱۰۳).

با توجه به اینکه در این خطبه حوادث گوناگونی مانند مبعوث شدن پیامبر (ص)، به بیراهه رفتن مردم، افتادن در فتنه‌ها، غصب خلافت و فدک و... مطرح شده است. برای هر کدام از آنها پایانی ذکر شده

است. حضرت فاطمه(س) در پایان خطبه آتشین خود در مسجد، با بیانی تکان دهنده و هشدارآمیز، سرنوشت شوم غاصبان و حامیان آنان را اینگونه ترسیم فرمودند: «مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْرِعَةِ إِلَى قَبْلِ الْبَاطِلِ، الْمُغْضِيَةِ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَاسِرِ، أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا، كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا آسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَآخَذَ بِسَمْعِكُمْ وَ أَبْصَارِكُمْ، وَ لَبِئْسَ مَا تَأُولُّنَّكُمْ، وَ سَاءَ مَا بِهِ أَسْرَبْتُمْ، وَ شَرَّ مَا مِنْهُ إِعْتَصَنْتُمْ، لَنَجِدَنَّ وَ اللَّهَ مَحْمِلَهُ ثَقِيلًا، وَ غِيبَهُ وَ بَيْلًا، إِذَا كُشِفَ لَكُمْ الْغِطَاءُ، وَ بَانَ مَا وَرَاءَهُ الضَّرَاءُ، وَ بَدَا لَكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَحْتَسِبُونَ، وَ خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ»، این فراز پایانی خطبه، با لحنی حزن‌آلود و هشداردهنده، نشان از ناامیدی حضرت(س) از بازگشت مردم دارد و عاقبت دردناک حمایت از ستمگران را به تصویر می‌کشد.

۳. نتیجه‌گیری

بررسی خطبه فدکیه حضرت فاطمه زهرا(س) با استفاده از چارچوب نظریه نقش‌گرایی هلیدی، ابعاد جدیدی از انسجام متنی این اثر را آشکار ساخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد:

- تمامی بندهای این خطبه به صورت ارگانیک با یکدیگر در ارتباط هستند. ویژگی بارز این متن، کاربرد گسترده آغازگرهای مرکب در ساختار بندهاست که علاوه بر ایجاد پیوستگی محتوایی، به تداوم موضوعی و تسهیل درک بندهای بعدی کمک شایانی کرده است.

- مکانیسم‌های انسجام‌بخشی در این خطبه شامل ارجاع‌های ضمیری (عمدتاً درون‌متنی)، تکرار هدفمند واژگان و کاربرد ظریف عبارات مترادف است که جریان سیال متن را حفظ می‌کنند. تسلط بی‌نظیر حضرت(س) بر ظرفیت‌های زبانی عربی و دایره گسترده واژگانی ایشان، به خلق متنی با انسجام کم‌نظیر منجر شده است.

- نکته قابل تأمل، هم‌آمیزی هنرمندانه انواع عناصر انسجام‌بخش (واژگانی و پیوندی) در ساختار بندهاست که اثری یکپارچه و منحصر به فرد پدید آورده است. از منظر ساختار اطلاعاتی، تأکید بر ارزش ولایت‌پذیری و زمینه‌چینی هوشمندانه برای بیان این مفهوم، همراه با کاربرد ماهرانه حروف افزایشی برای پیوند بندها، از دیگر ویژگی‌های برجسته این خطبه به شمار می‌رود.

منابع

- *قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- *خطبه فدکیه، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- ۱- ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰)، *تفسیر التحرير و التتویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*، ج ۳ و ۱۱، الطبعة الأولى، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
 - ۲- ابن‌منظور الأنصاری الرویفی الإفريقی، محمد بن مکرم بن علی (بی‌تا)، *لسان العرب*، ج ۱۰، الطبعة الثالثة، بیروت: دارصادر.
 - ۳- أحمدبن‌فارس بن زکریاء القزويني الرازي، أبو‌الحسين (۱۹۷۹)، *معجم مقاییس اللغة*، المحقق: عبدالسلام محمد هارون، بی‌جا: دارالفکر.
 - ۴- احمدی گبوی، حسن و حسن انوری (۱۳۷۵)، *دستور زبان فارسی ۱*، تهران: فاطمی.
 - ۵- امیری خراسانی، احمد و حلیمه علی‌نژاد (۱۳۹۴)، «بررسی عناصر انسجام متن در نفثه‌المصدر بر اساس نظریه هلیدی و حسن»، فصلنامه متن پژوهی ادبی، شماره ۶۳، صص ۷-۳۱.
 - ۶- امین، نصرت‌بیگم (بی‌تا)، *تفسیر مخزن‌العرفان در علوم قرآن*، ج ۳، بی‌جا: بی‌نا.
 - ۷- آقا گل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵)، *نسخه معجم الفهرس*، قم: اسلامی.
 - ۸- باغینی‌پور، مجید (۱۳۸۰)، «سخن‌کاوی انتقادی تحلیل کوتاه بر بازتاب قدرت در زبان»، مجله زبان‌شناسی، شماره ۳۲، صص ۲-۲۰.
 - ۹- بحری، نورا (۲۰۱۰)، «نظریه الانسجام الصوتی وأثرها فی بناء الشعر (دراسة وظيفة تطبيقية فی قصيدة «الموت والاضطرار» للمتنبی»»، رسالة دکتري، الجمهورية الجزائرية الديمقراطية الشعبية، جامعة الحاج لخضر-باتنة.
 - ۱۰- پروینی، خلیل و رضا نظری (۱۳۹۳)، «بررسی نقش عامل تکرار در انسجام بخشی به خطبه‌های نهج البلاغه بر اساس الگوی انسجام هلیدی و حسن»، فصلنامه زبان پژوهی دانشگاه الزهراء، سال ششم، شماره ۱۰، صص ۳۷-۶۱.
 - ۱۱- روبینز، آ.اچ (۱۳۹۳)، *تاریخ مختصر زبان‌شناسی*، ترجمه: علی‌محمد حق‌شناس، چاپ ۱۲، تهران: ماد.
 - ۱۲- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل*، ج ۱، چاپ سوم، بیروت: دارالکتاب.
 - ۱۳- سلیمی، علی و سمیه نادری (۱۳۹۶)، «خوانش ساختار بازنمودی قرآن براساس رویکرد نقش‌گرا(مطالعه مورد پژوهانه: سوره طها)»، پژوهش‌های ادبی قرآنی «فصلنامه علمی پژوهشی»، سال پنجم، شماره اول، صص ۱۲۹-۱۴۹.
 - ۱۴- شفایی، احمد (۱۳۶۳)، *مبانی علمی دستور زبان فارسی*، تهران: اساطیر.

- ۱۵- شمیسا، سیروس (۱۳۶۸)، *نگاهی تازه به بدیع*، تهران: فردوس.
- ۱۶- شمیسا، سیروس (۱۳۸۷)، *بیان*، تهران: فردوس.
- ۱۷- صالحی، فاطمه (۱۳۶۸)، «علم معانی و دستور نقش‌گرای هلیدی»، کتاب ماه ادبیات، شماره ۸، پیاپی ۱۲۲، صص ۳۲-۴۱.
- ۱۸- صالحی، پیمان (۱۴۰۱)، «خوانشی نو از خطبه جهادیه امام علی (ع) بر اساس نظریه فراکارکرد متنی (رویکرد نقش‌گرای هلیدی)»، پژوهش‌نامه علوی، سال ۱۳، شماره ۲، صص ۱۶۹-۱۹۳.
- ۱۹- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۵، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- ۲۰- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، ج ۵، چاپ سوم، تهران: مرتضوی.
- ۲۱- عبدالله، محمد حسن (۲۰۰۲)، *ابراهیم طوقان (حیات و دراسات فنیة فی شعره)*، الکویت: مؤسسه جائزه عبدالعزیز سعود الباطین للابداع الشعری.
- ۲۲- عرب‌زونی، محمدعلی، محمدرضا پهلوان‌نژاد (۱۳۹۳)، «بررسی ساختار آغازگری در خطبه جهاد نهج‌البلاغه بر اساس فرا نقش متنی نظریه نظام‌مند نقش‌گرا»، فصلنامه پژوهش‌نامه نهج‌البلاغه، سال دوم، شماره ۶، صص ۱۷-۳۶.
- ۲۳- علوی‌مقدم، مهیار (۱۳۷۷)، *نظریه‌های نقد ادبی معاصر، (صورت‌گرایی و ساختارگرایی)*، تهران: سمت.
- ۲۴- علیجانی، فریبا (۱۳۷۲)، عوامل ربط به عنوان ابزاری برای انسجام متن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲۵- فتوحی، محمود (۱۳۸۹)، *بلاغت تصویر*، تهران: سخن.
- ۲۶- قنبری پریخانی، نازی و علی‌باقر طاهری‌نیا (۱۳۹۹)، «کارست دوگانه نظریه انسجام و تحلیل محتوای کیفی در تحلیل متن محور خطبه‌های جهادی امام علی (ع)»، پژوهش‌نامه علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال یازدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان، صص ۲۰۷-۲۰۹.
- ۲۷- المجلسی، محمدباقر و النعمان المغربي و محمدعلی الأنصاری التبریزی (۱۴۳۰)، *شرح خطبه الزهر (س)*، تحقیق: السید باقر الکیشوان الموسوی، الطبعة الأولى، بیروت: مؤسسة البلاغ.
- ۲۸- مجیدی، ستاره (۱۳۹۰)، «ساخت اطلاع در زبان فارسی در چارچوب دستور نقش‌گرا نظام‌مند و دستور نقش ارجاع»، فصلنامه فرهنگستان، شماره ۷، صص ۱۸۳-۲۰۸.
- ۲۹- مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۸۸)، *سیر زیانشناسی*، چاپ پنجم، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۳۰- معین‌الدینی، فاطمه (۱۳۸۲)، «شگردهای ایجاد انسجام متن در کلیله و دمنه»، مجله فرهنگ، شماره ۴۶ و ۴۷، صص ۳۰۳-۳۲۶.

- ۳۱- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۵۱)، دستور زبان فارسی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۳۲- نظری، علیرضا (۱۳۹۲)، «کارکرد ادات ربطی در انسجام بخشی به خطبه های نهج البلاغه»، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال اول، شماره ۳، صص ۳۳-۵۴.
- ۳۳- نوروزی، حامد و علامحسین غلامحسین زاده (۱۳۸۸)، «نقش عوامل ربط زمانی در انسجام»، کاوش نامه، سال ۱۰، شماره ۱۹، صص ۹۷-۱۲۲.
- ۳۴- یارمحمدی، لطف الله (۱۳۸۳)، *گفتمان شناسی رایج و انتقادی*، چاپ اول، تهران: انتشارات هرمس.
- Halliday. M.A.K. (1985). *An Introduction to Functional Grammer*. London: Edward Amold.
- Halliday. M.A.K. (1994). *Systemic theory*. In Asher. R. E. (ed).